

فصلنامه علمی برنامه‌ریزی منطقه‌ای

سال ۱۰، شماره پیاپی ۳۷، بهار ۱۳۹۹

شاپای چاپی: ۶۷۳۵-۲۲۵۱ - شاپای الکترونیکی: ۲۴۲۳-۷۰۵۱

<http://jzpm.miau.ac.ir>

مقاله پژوهشی

نسبت هویت مکان با کنش‌های تقسیمات سیاسی در فضا (مطالعه موردی: شهرستان کازرون)

افشین متقی^۱: دانشیار گروه جغرافیای سیاسی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

مسلم نامداززاده: دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

پذیرش: ۱۳۹۸/۵/۲۰

صص ۹۰-۷۷

دریافت: ۱۳۹۸/۲/۷

چکیده

هویت مکانی نمایان‌کننده احساس، ادراک و تعلق مکانی متنوع می‌باشد به گونه‌ای که متناسب با فرهنگ سیاسی ساکنان، مکان‌های جغرافیایی کنش‌های سیاسی متفاوتی را خلق می‌کنند. تقسیمات سیاسی فضا فرایندی است که واحدهای سیاسی- فضایی را از نظر ساختاری و کارکردی به سطوح همگن به منظور اداره بهینه قلمرو ملی تقسیم می‌کند. از شاخص‌های اساسی در مقوله تقسیمات سیاسی فضا در نظر گرفتن هویت مکانی است که می‌تواند در تحریک و کیفیت احساس مکانی افراد در جهت منفی و یا مثبت تأثیرگذار باشد. تحقیق حاضر با روش توصیفی- تحلیلی و گردآوری اطلاعات به شیوه کتابخانه‌ای به بررسی نقش هویت و احساس مکانی در کنش‌های تقسیمات سیاسی فضا شهرستان کازرون می‌پردازد. بر بنیاد یافته‌های پژوهش از دلایل اساسی نارامی‌های شهرستان کازرون بی‌توجهی تصمیم‌گیرندگان سیاسی نسبت به مؤلفه‌های هویتی و مکانی فضای جغرافیایی در تقسیمات فضایی منطقه مورد مطالعه بود، امری که نقش متقابل اثرات تصمیمات سیاسی بر دگرگونی فضای جغرافیایی را نمایان ساخت.

واژه‌های کلیدی: هویت مکان، حس مکان، تقسیمات سیاسی فضا، شهرستان کازرون.

^۱. نویسنده مسئول: afshin_mottaghi@yahoo.com ۰۹۱۲۵۹۸۴۴۱۶

مقدمه:

هدف سازمان سیاسی فضا در کشور رسیدن به تعادل و توازن اکولوژیک، کاهش نابرابری‌ها، رسیدن به عدالت جغرافیایی و توسعه مناطق محروم و غیر برخوردار در فضای جغرافیایی کشور می‌باشد. از مهم‌ترین بخش‌های مقوله سازماندهی سیاسی فضا، تقسیمات کشوری می‌باشد که هدف عمده آن اداره بهتر واحدهای فضایی کشور و همچنین ایجاد بستر مناسب برای خدمات رسانی به ساکنان می‌باشد. ابزاری که هر چقدر عالمانه و منطقی‌تر تنظیم شود، دستاوردهای آن می‌تواند فرصت‌های مناسبی را برای توسعه عادلانه فضایی در اختیار مناطق مختلف جغرافیایی کشور قرار بدهد و زمینه بهبود مدیریت سیاسی را در کشور فراهم کند. از دید جغرافیای سیاسی بارور کردن توانمندی‌های محلی و بسترسازی برای توسعه متوازن منطقه‌ای، عمق بخشیدن به تعلق سرزمینی ساکنان، کاهش اثرات مخرب ناحیه‌گرایی و از بین بردن واگرایی‌ها و محلی‌گرایی‌ها از راه انجام درست تقسیمات کشوری انجام‌پذیر است. بر این اساس ارتباط دادن توسعه و برخورداری مکان‌ها، با ارتقاء سطح سیاسی سکونتگاه‌ها از نواقص نظام برنامه‌ریزی کشور ما است. هر چند، در ساختار تصمیم‌گیری فعلی حاکم بر کشور، متأسفانه لزوم برخوردار شدن از برخی امکانات توسعه و رفاه و اختصاص برخی ردیف‌های بودجه، قرار گرفتن در سطح مشخصی از سلسله مراتب تقسیمات کشوری است. به واسطه همین امر در شرایط حاضر نفوذ و بازیگری نخبگان سیاسی محلی مثل نمایندگان مجلس یکی از عوامل مؤثر در ایجاد و ارتقاء واحدهای سیاسی است. واقعیتی آسیب‌زا که به بویژه در زمان تبلیغات انتخاباتی کاندیدها، بخشی از وعده‌های هیجان‌انگیز کاندیدها برای ساکنان روستاها و شهرهای حوزه انتخاباتی خود همین تغییرات حوزه‌های تقسیمات کشوری است این موضوع نه تنها سازنده نیست که یک تهدید به حساب می‌آید و تبعات زیادی دارد. چگونگی سازماندهی سیاسی فضا نقش مؤثری در توسعه کشورها دارد، زیرا با تقسیم سرزمین به واحدهای کوچک‌تر تصمیمات مهمی در مورد چگونگی رشد ناحیه با توجه به این تقسیمات اتخاذ می‌شود. توسعه و ارتقای سطح کارکردهای یک واحد تقسیماتی، تا اندازه زیادی به نحوه سازماندهی سیاسی فضا و آرایش بهینه قلمرو سرزمینی کشور بستگی دارد (Ahmadypoor, 2015:2). هدف تحقیق حاضر با روش توصیفی تحلیلی انجام گرفته است، بررسی نقش هویت و احساس مکانی در کنش‌های تقسیمات سیاسی فضا شهرستان کازرون است.

مبانی نظری تحقیق:

مکان، هویت و حس مکان: مکان، کانون علم جغرافیا و هویت، تجلی فرهنگ در مکان است. انسان با توجه به مجموعه باورها، اندیشه‌ها و کنش‌هایش، منشأ معنادهی و هویت‌سازی برای مکان به شمار می‌رود. پیدایش مکان برآیند تعامل محیط پدیداری و محیط واقعی در قالب برهم کنشی بنیادهای زیستی و ساختارهای اجتماعی، فرهنگی، ایدئولوژیک و دستیابی به منابع قدرت و تصمیم در قالب سرمایه، رسانه و مدیریت است. عوامل مؤثر در پراکنش این تعاملات و قالبها به ساختارهای متفاوت و تمایزات مکانی می‌انجامد تمایزات مکانی با پیدایش طبقات اجتماعی، توزیع فقر و غنا، هویت‌های مکانی و تمایزات کارکردی همراه است (Kviani Rad, 2015: 151). هویت مکان، تابعی از کارکرد فضاها و ساختارهای مکانی است که خلق‌کننده احساس تعلق مکانی متفاوت و متناسب با فرهنگ سیاسی ساکنان آن محده می‌باشند (Prisiding: 152). در جغرافیا هر واقعیت عینی با مکان پیوند می‌یابد (Shokouie, 2008: 300). در عین حال مکان، مفهومی در آمیخته با فرایندهای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی است (Bigdeli and Sharifi, 2008: 243). مکان سازنده بخشی از شخصیت و هویت افراد است که خود را با آن می‌شناسند و به دیگران می‌شناسانند. آنگاه که درباره خود می‌اندیشند خود را وابسته به آن مکان می‌دانند و آن مکان را بخشی از خود می‌انگارند و با آن روابط عمیقی برقرار می‌کنند بر این بنیاد هویت مکانی بخشی از زیربنای هویت انسان و برآیند شناخت او درباره جهانی (محیط ادراکی و واقعی) است که در آن زندگی می‌کند. این شناخت شامل یادها، احساسات، دیدگاه‌ها، ارزش‌ها، ترجیحات، مفاهیم و آرمان‌های انسان درباره مکان‌هایی است که به ادراک و رفتار او جهت می‌دهند. از این-رو، مکان با ذهن انسان پیوند، قابلیت یادآوری و بخشی از ذهن است. چه بسا دو مکان از نظر فاصله عددی بسیار به هم نزدیک باشند؛ اما به دلیل آنکه فرد خاطره‌ای از آن ندارد، بنابراین هیچ‌گونه ادراک حسی در آن رخ نداده نمی‌تواند با آن پیوندی برقرار کند (Sadat, 2008:45). هویت مکانی در خلق حس مکان یا بی‌مکانی نقش اساسی دارد، حس مکان به معنای ادراک ذهنی مردم و احساسات کمابیش آگاهانه آنها از محیط خود است که شخص را در ارتباطی درونی با محیط قرار می‌دهد، به طوری که فهم و احساس فرد با زمینه معنایی محیط پیوند می‌یابد و یکپارچه می‌شود. این حس موجب تبدیل یک فضا به مکانی با ویژگی‌های حسی و رفتاری ویژه برای افراد خاص می‌شود (Kviani Rad, 2012: 157).

از نگاه پدیدارشناسان حس مکان به معنای پیوند با مکان به واسطه درک نمادها و فعالیت‌های روزمره است که می‌تواند در مکان زندگی فرد به وجود آمده و با گذر زمان عمیق‌تر شود ارزش‌های فردی و جمعی بر چگونگی حس مکان تأثیر می‌گذارد (Relph, 1976).

(2) و متقابلاً حس مکان نیز بر ارزش‌ها، نگرش‌ها و به ویژه رفتار فردی و اجتماعی افراد در مکان تأثیر می‌گذارد. افراد معمولاً در فعالیت‌های اجتماعی با توجه به چگونگی حس مکانشان شرکت می‌کنند حس مکان عاملی برای احساس امنیت، لذت و ادراک عاطفی افراد نیز می‌باشد و به هویت‌مندی افراد و احساس تعلق آنها به مکان کمک می‌کند (Taban and poorjafar, 2012: 83). از دیدگاه پدیدارشناختی مهم‌ترین مفاهیم مرتبط در بیان حس مکان، واژه‌های مکان دوستی، تجربه مکان و شخصیت مکان است. حس مکان به معنای ویژگی‌های غیرمادی یا شخصیت مکان است که معنایی نزدیک به روح مکان دارد. از دید تاریخی روح مکان برای برپایی جشن و مراسمات مذهبی به کار برده می‌شود، که در آن بازدیدکنندگان می‌بایست به حرکات عبادات در مراسم توجه زیادی می‌کردند. از این رو جایی که این اعمال و مراسم در آن اتفاق می‌افتاد خود تبدیل به مکان ویژه‌ای می‌گردید و این احساس احترام یکی از مشخصه‌های مکان بود که آن را از سایر مکان‌ها متمایز می‌کرد و روح مکان نامیده می‌شد (Seamon, 1979).

از دید پدیدارشناختی مکان بخشی از محیط است که توسط تجربه و حس‌ها درک می‌شود و همین حس است که شناخت بهتری از طبیعت مکان به ما می‌دهد. مکان مرکزی از سلامت، امنیت، ارتباط و در نهایت نقطه‌ای از جهت‌گیری است که انسان در آن با خیلی از افراد هم‌احساس می‌شود و این هم‌احساسی و حضور فیزیکی شخص در مکان و تجربه ناخودآگاه اوست، که حس مکان نامیده می‌شود (Relph, 1976: 64). حس مکان گاهی از آن به مکان دوستی تعبیر می‌شود. مکان دوستی اصطلاحی است که جغرافیادانان پدیدارشناس، معادل با حس مکان مطرح می‌کنند. آن را پیوندی پرمحبت و تأثیرگذار میان مردم و مکان‌ها یا قرارگاه‌ها می‌دانند مکان دوستی به صورت‌های متفاوتی ابراز می‌شود که می‌تواند زیبایی شناختی، حسی یا عاطفی باشد. در رشته‌های علمی مانند روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی اصطلاحات تعلق و دلبستگی مکان، تعلق به اجتماع، ساختار عاطفی معنا و تجربه، مهم‌ترین مباحث مطرح شده درباره حس مکان هستند. تعلق مکانی به این معنا است که مردم خود را به واسطه مکانی که در آن به دنیا آمده و رشد کرده‌اند، تعریف می‌کنند. این ارتباط که به طور کلی حس مکان نامیده می‌شود مردم را به گونه‌ای عمیق و ماندگار تحت تأثیر قرار می‌دهد و خاطره مکان هویت و قدرت انسان را تقویت می‌کند. بر این اساس تعلق به مکان، چیزی بیش از تجربه عاطفی و شناختی بوده و عقاید فرهنگی مرتبط کننده افراد به مکان را نیز شامل می‌شود (Altman & Low, 1992: 83). به طور کلی روابط میان انسان و مکان می‌تواند ارتباط تبارشناسانه، روایتی، ارتباط به واسطه از دست رفتن سرزمین ارتباط اقتصادی، رابطه کیهان‌شناختی (در این رابطه تعلق مکانی به واسطه تطابق میان اسطوره‌ها و نمادها از طریق مناسبات مذهبی، معنوی یا اسطوره‌شناسی به وجود می‌آید) و ارتباط زیارتی باشد. معمولاً در زیارت تجربه مکان موقتی است ولی حس مکان به دلیل اهمیت مذهبی، معنوی یا اجتماعی سیاسی مکان، مدت‌های مدید دوام می‌یابد. بر این پایه حس مکان افزون بر این که موجب احساس آرامش از یک محیط می‌شود از مفاهیم فرهنگی موردنظر مردم، روابط اجتماعی و فرهنگی جامعه در یک مکان مشخص حمایت می‌کند و باعث یادآوری تجارب گذشته و دستیابی به هویت برای افراد می‌شود. با این حال، حس مکان امری از پیش تعیین شده‌ای نیست بلکه از تعامل انسان با مکان زندگی روزمره پدید می‌آید، فرد مجموعه‌ای از تصورات قبلی خود را به محیط می‌دهد و همین تصورات چگونگی پاسخ او به محیط را تعیین می‌کند (Kviani Rad, 2012: ۱۵۷). از آن جا که مکان‌ها در افراد مختلف احساس متفاوتی ایجاد می‌کنند نقش شخصیت و تجارب گذشته در دریافت این احساس مؤثر است. فضایی که در فرد حس مکان و تعلق ایجاد می‌کند تبدیل به یک مکان می‌شود. در این صورت مکان کلیدی می‌شود که مردم تمام فعالیت‌ها و اتفاقات را با آن می‌شناسند. تعلق به اجتماع نیز از عوامل مؤثر در ایجاد حس مکان است چنان که هیومن حس مکان را شامل تعلق به اجتماع و حس محلی تعریف کرده است. از نظر او حس مکان ادراک فردی مردم از محیط خود و احساسات کم و زیاد آگاهانه آنها از آن محیط است که شخص را به گونه‌ای با محیط پیوند می‌دهد که فهم و احساس او با درک معنایی محیط به یکپارچگی می‌رسد (Hummon, 1992: 45).

تقسیمات سیاسی و اداری کشوری:

تقسیمات سیاسی فضا در کشوری فرایندی است که با هدف اصلی تقسیم کشور به واحدهای همگن، برای توسعه هماهنگ و به منظور اداره قلمرو ملی و عرضه خدمات بهتر صورت می‌گیرد و بر ساختار اداری و مدیریتی سرزمین، شتاب بخشیدن به روند توسعه و رشد هماهنگ ملی، تأثیر بسزایی دارد (Ahmady poor, 2012: 39). نظام تقسیمات کشوری در ایران ظرف و چارچوب ساختار تشکیلات اداری-سیاسی کشور با سلسله مراتب، استان، شهرستان، بخش، دهستان، شهر و روستاست که حوزه فعالیت آن برنامه‌ریزی‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، کالبدی، زیست‌محیطی و به طور اعم مدیریت بهینه سرزمین است (Riahi, 2019: 75). برقراری توازن اکولوژیک، کاهش نابرابری فضایی، برقراری عدالت جغرافیایی، تقسیم عادلانه قدرت سیاسی، از بین بردن آثار مخرب ناحیه‌گرایی، عرضه خدمات بهتر به منظور اداره بهینه قلمرو ملی از مهم‌ترین اهداف تقسیمات سیاسی فضا هستند. بر این بنیاد ضرورت دارد مقوله تقسیمات

کشوری بر اساس اصول کارشناسی، و رعایت تمام جوانب سرزمینی، سیاسی، امنیتی، فرهنگی و ... آن انجام شود تا منجر به ناهنجاری و آشفتگی فضایی نشود. تقسیمات سیاسی فضای سرزمین به میزان زیادی متأثر از نوع ساختار سیاسی کشورهای بیسپط (متمرکز)، فدرال و یا ناحیه‌ای است و به تبعیت از آن سطح اختیارات، قدرت تصمیم‌گیری و کارکرد سیاسی واحدهای تقسیماتی در کشور نیز تابع نوع دولت و نظام سیاسی می‌باشد (Hafeznia, 2007:34). به طور کلی هدف دولت‌ها از تقسیمات کشوری، عبارت است از: اداره بهتر امور منطقه‌ای و محلی، نظارت سیاسی و اعمال سیاست‌های دولت مرکزی، ایجاد وحدت و امنیت ملی، توسعه هماهنگ و پایدار، فراهم کردن زمینه برای عرضه خدمات بهتر، جلوگیری از ناهنجاری‌ها، ناراحتی‌ها، تجزیه طلبی‌ها، فراهم کردن زمینه مساعد برای مشارکت مردم در سرنوشت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی خود، ایجاد توسعه منطقه‌ای و پایه‌گذاری چارچوب فضایی و جغرافیایی لازم برای گسترش سازمانی و اداری دستگاه‌های دولت (Hafeznia, 2006:195). برخاسته از ساختار مدیریت سیاسی فضا بیسپط (تک‌ساخت) در ایران، اختیارات و قدرت سیاسی به واحدهای سیاسی- اداری تفویضی و محدود است. به هر میزان واحدهای تقسیماتی ارتقاء یابند؛ از میزان بیشتری از اختیارات و اعتبارات برخوردار می‌شوند. همچنین فرصت‌های سیاسی بیشتری نصیب مسئولان می‌شود. بر این اساس ساکنین و مسئولین واحدهای تقسیمات سیاسی با تصور این موضوع که ارتقاء سطح سیاسی موجب بهره‌مندی فضای جغرافیایی از درآمدها و اعتبارات جاری و عمرانی و فرصت‌های مناسب‌تر برای رسیدگی به مطالبات ساکنان و توسعه فضا می‌شود، به دنبال ارتقاء سیاسی سطوح می‌باشند. این مسئله باعث ایجاد رقابت‌های مکانی جهت ارتقاء سطوح سیاسی می‌شود. با توجه به این که در نظام سیاسی بیسپط ایران هم توزیع اعتبارات، اختیارات و تصمیم‌گیری‌ها بر اساس سطوح تقسیمات کشوری صورت می‌گیرد یک واحد سیاسی با ارتقاء سطح بالاتر، از جایگاه و وزن بالاتری در تصمیم‌گیری‌ها و میزان اعتبارات برخوردار می‌شود. به عبارتی ارتقای سطح موجب جذب اعتبارهای مالی جدید و بیشتری می‌شود (Mahkoui and ghanbari, 2013:23). از مشکلات اساسی تقسیمات سیاسی فضا در ایران ناهمگن بودن حوزه‌های تقسیماتی و عدم انطباق با الزامات منطقه‌ای و همچنین ساختار حکومتی بیسپط می‌باشد که موجب تمرکز جمعیت و فعالیت‌ها در مرکز و عدم تعادل در ابعاد مختلف در سطح سرزمین شده است (Rahemi, 2009:99). به طور کلی شاخص‌های مؤثر در ارتقاء سطوح تقسیمات سیاسی در ایران عبارتند از: رقابت مکانی، دورافتادگی، محرومیت و توسعه نیافتگی، جغرافیای قدرت، تفاوت‌های فرهنگی، ویژگی‌های طبیعی، وسعت زیاد یا ضرورت دسترسی، که در این میان جغرافیای قدرت بویژه به واسطه نمایندگان مجلس واحدهای سیاسی با عدم تبعیت از قانون تقسیمات کشوری و همچنین ملاحظات جغرافیای سیاسی نقش بسزایی در تسریع ارتقاء سطوح تقسیماتی را دارند.

نسبت تصمیمات سیاسی در فضا:

تأثیر تصمیمات و عملکردهای سیاسی بر فضای جغرافیایی، دگرگونی فضایی و اجتماعی را به دنبال دارد که به تولید نیروهای فشار منجر می‌شود و این نیروهای اجتماعی در همه سیستم‌های سیاسی منجر به تغییر و اصلاح سیاست‌ها و عملکردهای سیاسی می‌شود و حتی نظام ارزش و ایدئولوژی و پیش فرض‌های آنها را نیز متحول می‌کند. از آنجا که فضا و سیاست دارای تحرک و پویایی‌اند و دگرگونی هر کدام از این دو مؤلفه باعث دگرگونی دیگری است، لذا در هر فضایی سیاست خاص آن فضا باید وجود داشته باشد. فضا به طور جبری در حال تحول است و متقابلاً سیاست را تحت تأثیر خود دچار تغییر می‌کند. بنابراین سیاست باید تحول پیدا کند تا متناسب با زمان خود جوابگوی نیازهای بشری باشد. در واقع دینامیسم سیاسی هم به عنوان علت و هم به عنوان معلول دینامیسم اجتماعی و فضایی عمل می‌کند و همین امر باعث تعادل عمومی در جامعه می‌شود. بر این اساس عدم تعادل در جوامع، بیش از آنکه مربوط به شرایط طبیعی آنها باشد، بیشتر تحت تأثیر تأثیرات دینامیسم سیاسی جوامع به عنوان علت غایی دینامیسم اجتماعی و به تبع آن دینامیسم فضایی جوامع است (Hafeznia, 2011:128). سیاست به واسطه حمایت ایدئولوژی و به وسیله نهادهای تصمیم‌ساز و مجری تصمیم بر فضا که متشکل از جامعه انسانی، شبکه‌ها، جریان‌ها، ساخت‌ها و نظایر آن است تأثیر می‌گذارد و از آن تأثیر می‌پذیرد. تأثیر سیاست بر جغرافیا و همین‌طور تأثیر جغرافیا بر سیاست، برخی از جغرافی‌دانان را تا آنجا پیش برده است که عنوان کنند. جغرافیا قبل از هر چیز دانش سیاسی است. بر این پایه، سیاست متأثر از ایدئولوژی‌های گوناگون عبارت است از: مفاهیم و نهادهای سیاسی فرمانروا، فرایندها و مکانیسم‌های تصمیم‌ساز که بر پایه نظام ارزشی پدید آمده است و با پشتیبانی عامل قدرت مستتر در حاکمیت، بر فضای جغرافیایی تأثیر گذاشته و از آن تأثیر می‌پذیرد (Priciding, 124).

نسبت نماد های جغرافیایی با هویت مکان :

نماد اصطلاحی است که بار معنایی و ادراکی را بیان می‌کند (Fordham, 1975:40). نماد، بیانگر مفاهیم فرهنگی- تاریخی برجسته‌ای است که از طریق آنها می‌توان به فرهنگ و افکار گذشتگان پی‌برد. نمادها را می‌توان برابر با اسطوره‌ها، تصاویر، مظاهر، نشانه‌ها

و تمامی جنبه‌های ظاهری و نمادین میراث مادی - معنوی معنایی دانست که شامل مواردی از قبیل تصاویر ذهنی و عینی، داستان‌ها و نگارش‌های تاریخی، ادبیات، زبان، ساختمان‌ها، آثار، مراکز و ابنیه‌های تاریخی، مجسمه‌ها، نقاشی‌ها، شاهکارهای معنوی و فعالیت‌های خلاق هنری می‌شوند (Dehshiri, 2010: 193). نمادها مظاهر و نشانه‌هایی عینی‌اند که منعکس‌کننده احساس و شیوه‌های رفتار آدمی هستند به گونه‌ای که بشر برای نشان دادن خواسته‌های درونی خویش از آن‌ها استفاده می‌کند (Bahmani and Saffaran, 2011: 18). نمادها به عنوان ابزارهای ارتباطی می‌توانند زمینه‌های هویت مشترک و یکپارچگی را در میان گروه‌ها، سازمان‌ها و ملت‌ها فراهم‌کنند (Tampson, 2002: 21). مکان‌های تاریخی، مسلط و مشهور از جمله صوری نمادین هستند که با داشتن قدرت نمادین در بازتولید، جهت‌دهی، بازنمایی، زنده‌سازی هویت مکانی و تأثیرگذاری بر افراد و جوامع که در نهایت به بسیج شهروندان ختم می‌شوند دارای اهمیت هستند. به نظر می‌رسد یک مکان مؤثر در صورتی که بار سیاسی و تاریخی داشته باشد به عاملی در جهت تجلی و بازنمایی اندیشه‌ها تبدیل می‌شود. نماد جغرافیایی شاخص مکانی - فضایی و نشانه‌ای برای بازتاب فرهنگ، تاریخ و ارزش‌ها و شکل دهنده هویت است (bonnemaison, 2005: 45) این مکان می‌تواند مکانی مقدس مانند مسجد باشد، مکانی قابل‌رؤیت و بلندمرتبه مانند برج ایفل یا مکانی باشد که یک فضای روحانی را در حافظه تاریخی خود دارد (Fayaz, 2012: 104).

مواد و روش تحقیق:

پژوهش حاضر با روش تحقیق به شیوه توصیفی تحلیلی انجام گرفته و گردآوری اطلاعات به روش کتابخانه‌ای بوده همچنین مبنای تجزیه تحلیل یافته‌های تحقیق بر اساس چارچوب نظری تحقیق (عقلی) بوده است. محدوده مورد مطالعه شهرستان کازرون واقع در غرب استان فارس در امتداد ۵۱ درجه و ۵۳ دقیقه از نصف‌النهار شرقی ۲۹ درجه و ۳۵ دقیقه عرض شمالی نسبت به خط استوا قرار گرفته و از مشرق و شمال شرق به شیراز، جنوب شرقی به شهرستان فیروزآباد، غرب و شمال غربی به ممسنی و جنوب و جنوب غربی به شهرستان برازجان منتهی می‌شود. جمعیت این شهرستان، بر پایه سرشماری سال ۱۳۹۵ مرکز آمار ایران، ۲۶۶,۲۱۷ نفر است که سومین شهرستان پرجمعیت استان فارس به شمار می‌رود. از نظر طبیعی شهرستان کازرون منطقه‌ای است کوهستانی با وجود ارتفاعات متعدد که تقریباً همگی از سلسله جبال زاگرس از شمال‌غربی به سمت جنوب‌شرق امتداد یافته‌اند. استقرار این منطقه در حدفاصل شهرستان شیراز و استان بوشهر موجب گردیده تا از گذشته دور محل عبور مسافر و تبادل کالای میان دو استان فارس و بوشهر باشد. (<http://sharesabz.blogfa.com/post>). (جدول شماره ۱).

جدول ۱- تقسیمات سیاسی اداری شهرستان کازرون

نام شهرستان	مرکز شهرستان	نام بخش	مرکز بخش	نام دهستان	مرکز دهستان	نام شهر
کازرون	کازرون	مرکزی	کازرون	بلیان	مهرنجان	کازرون
				دریس	دریس	
				شاپور	سیدحسین	
	جره و بالاده	جره	بالاده	جره	بالاده	
				دادین	دادین علیا	
				فامور	نرگس زار	
	کنار تخته و کمارج	کنار تخته	کنار تخته	کنار تخته	کنار تخته	کنار تخته
				کمارج	کمارج	
	کوهمره	نودان	نودان	دشت برم	کلانی	نودان
				کوهمره	نودان	
	چنار شاه‌یجان	قائمیه	قائمیه	سمغان	ملای انبار	قائمیه
				انارستان	انارستان	
	خشت	خشت	خشت	امامزاده محمد	شهبازخانی	خشت
				بورکی	بورکی علیا	

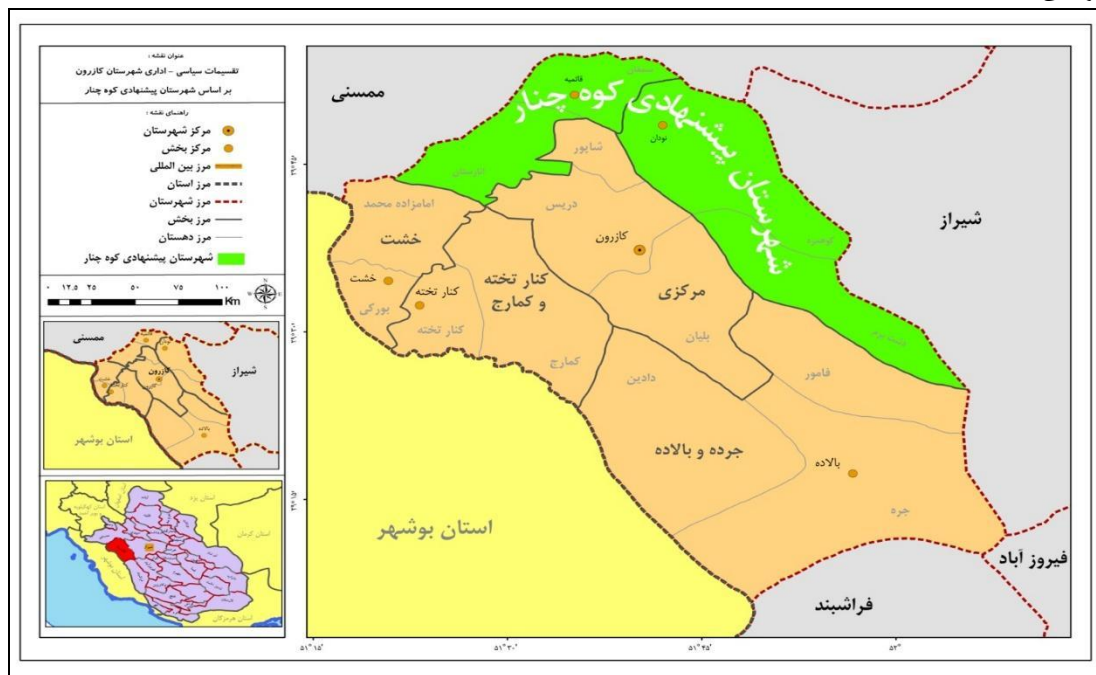
منبع: مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵.

روند تنش‌های تقسیمات سیاسی در کازرون:

از آبان ماه سال ۱۳۹۶ موضوع ایجاد شهرستان جدیدی به نام کوه‌چنار در استان فارس مطرح شد. شهرستان تازه تأسیس قرار بود از انتزاع بخش‌های چنار شاه‌یجان (قائمیه) و کوه‌مره نودان که در تابعیت شهرستان کازرون هستند، ایجاد شود. این در حالی است که ایجاد شهرستان جدید از نظر تعداد جمعیت و وسعت، از نظر قواعد تقسیمات کشوری شرایط کافی برای تبدیل شدن به شهرستان را نداشته و به ناچار برای اینکه شرایط قانونی را داشته باشد؛ نیاز به انتزاع بخش‌ها، دهستان‌ها و برخی از نقاط جمعیتی بخش مرکزی و الحاق به شهرستان پیشنهادی کوه چنار را داشت. در نهایت به دنبال اقداماتی در وزارت کشور و کمیسیون ویژه‌ای که برای این منظور تشکیل شده بود، با انتزاع سطوح تقسیمات سیاسی یاد شده، از شهرستان کازرون برای توجیه پذیر بودن این تصمیم سیاسی موافقت صورت پذیرفت. این تصمیم در حالی گرفته شد که مردم شهر کازرون و برخی از مناطق منتخب برای انتزاع، از مدتها قبل نسبت به زمزمه‌های این تصمیم سیاسی و تقسیمات کشوری به شدت اعتراض داشتند. از زمان جدی شدن طرح شهرستان جدید کوه چنار در چندین نوبت تجمعاتی در سطح شهرستان کازرون شکل گرفت که به درگیری با نیروی انتظامی منجر شد (<https://www.farsnews.com/news>). (این تنشها و اعتراضات به واسطه این امر بود که در بخش‌هایی که بر اساس طرح ارائه شده به وزارت کشور قرار بود؛ از شهرستان کازرون انتزاع شود، دو دهستان با نام دشت برم و انارستان^۲ و همچنین نقاط جمعیتی از بخش مرکزی شهرستان کازرون از قبیل تنگ چوگان^۳، بیشاپور^۴ و امامزاده سیدحسین^۵ وجود داشت که پیوند فرهنگی، مکانی، اقتصادی و هویتی عمیقی با کازرون دارند. همچنین این مکانها به لحاظ فاصله جغرافیایی به کازرون نزدیک‌تر هستند و رفت‌وآمد بیشتری در امور روزمره با شهر کازرون دارند. تا جایی که بواسطه این امر دهستان‌های دشت برم و انارستان از سالهای گذشته درخواست الحاق به بخش مرکزی کازرون را داده بودند. در تحولات پیش آمده مسئله و اختلاف بر سر ایجاد شهرستان پیشنهادی کوه چنار نبود و اختلاف بر سر انتزاع مکان‌های تاریخی بیشاپور، تنگ چوگان، امام زاده سیدحسین و جاذبه‌های طبیعی دهستان دشت برم و انارستان است، مکان‌هایی که از نظر مردم کازرون هویت تاریخی، طبیعی و مکانی شهر کازرون هستند. نست به آن تعلق و دلبستگی مکانی دارند، و همین احساس مکانی موجب شد کازرونی‌ها نسبت به انتزاع مکان‌های یاد شده و الحاق آن جهت ایجاد شهرستان جدید مخالفت کنند. مردم شهر کازرون و دهستان‌های یاد شده مخالف این طرح بودند به واسطه این که می‌پنداشتند این طرح تجزیه هویت مکانی، تاریخی و سیاسی شهرستان کازرون است (<http://www.irna.ir> / <http://fa/News/>). مطرح شدن ایجاد شهرستان جدید همچنین باعث نارضایتی ساکنان دو دهستان (دشت برم و انارستان) نسبت به انتزاع آن از شهرستان کازرون شد. چرا که مردم دو دهستان نیز تعلق و دلبستگی مکانی به شهرستان کازرون دارند و از مدتها قبل درخواست الحاق به بخش مرکزی کازرون را درخواست کرده بودند. شکل‌گیری اعتراضات زمانی شروع شد که نماینده کازرون در مجلس، طی پیامی در فضای مجازی اعلام کرد که موضوع طرح

۲. دشت برم یکی از دهستان‌های بخش کوه‌مره شهرستان کازرون می‌باشد روستاهایی از جمله گرگان- عبدویی - کلانی - تل نادر - تنگ زرد - دشت برم - پرک - وارک - بوجران - دردانه در تابعیت این دهستان هستند. همچنین در فاصله ۲۰ کیلومتری شرق شهر کازرون و در مسیر جاده جدید کازرون به شیراز منطقه زیبا و جنگلی دشت برم است، که از جمله جاذبه‌های زیبای گردشگری شهرستان کازرون می‌باشد.
۳. دهستان انارستان یکی از دهستان‌های بخش چنار شاه‌یجان شهرستان کازرون می‌باشد. این دهستان به مرکزیت روستای انارستان از مجموع روستاها، مزارع و مکان‌های ۱- گنجه‌ای ۲- حاجی آباد غوری ۳- حکیم باشی ۴- رشن آباد و ... تشکیل شده است.
۴. این مکان تاریخی که در تابعیت بخش مرکزی شهرستان کازرون می‌باشد در مجاورت شهر تاریخی بیشاپور و در سمت شمال شهر میان دو رشته کوه سر به فلک کشیده تنگی پر از درختان سرسبز، بیشه زارها و مناظر فرح انگیز و جذاب قرار دارد. رودخانه شاپور از دل این تنگ می‌گذرد و چشمه زیبای ساسان در قسمتی از این تنگ فوران می‌کند. این چشمه در طول سالیان بسیار زیاد استمرار داشته و امروز نیز قسمتی از آب شرب شهرستان کازرون و بوشهر را تامین می‌کند و قسمتی از آن هم برای آبیاری زمین‌های زیر کشت کشاورزان منطقه مورد استفاده قرار می‌گیرد.
۵. این مکان تاریخی که در تابعیت بخش مرکزی شهرستان کازرون می‌باشد در فاصله ۲۳ کیلومتری شمال غربی کازرون، در مجاورت رودخانه شاپور و در کنار جاده شاهی که پایتخت ساسانیان یعنی تیسفون را به تخت جمشید و تخت جمشید را به شوش متصل می‌ساخت، شهر تاریخی بیشاپور ساخته شد که به جهت نزدیک بودن به سواحل جنوبی خلیج فارس برای ساسانیان بسیار با اهمیت بوده است. این شهر در مدخل دره ای خوش آب و هوا و پر از درختان لیمو، پرتقال، خرما، بیشه زار و چشمه سارها قرار گرفته که به جهت داشتن حجاری‌ها و نقوش برجسته مهم دوره ساسانی یادآور عظمت و آبادانی دولت ساسانی به شمار می‌رود. این شهر را می‌توان در ردیف بزرگترین شهرهای دوره ساسانی به حساب آورد که با شهرهای مهم جهان آن روز مثل انطاکیه و بیزانس رقابت داشته است.
۶. این مکان تاریخی که در تابعیت بخش مرکزی شهرستان کازرون و در کنار روستای امام زاده سید حسین است. امام زاده سید حسین بن امیر بن ابراهیم بن زین العابدین (ع) مهم‌ترین امام زاده شهرستان کازرون می‌باشد که در کنار روستای سید حسین در ۲۳ کیلومتری جاده کازرون به شیراز و در شمال شهر تاریخی بیشاپور قرار گرفته است. این روستا به خاطر وجود چشمه سار پر آب و زیبای « سرآب شیر»، درختان سرسبز و سر به فلک کشیده، باغ‌های مرکبات بسیار که آب‌های روان چشمه مزبور همیشه در آنها جریان دارد، موقعیتی ممتاز داشته و یکی از مکان‌های تماشایی و زیارتی، سیاحتی قابل توجه در استان فارس می‌باشد.

تشکیل شهرستان جدید کوه چنار به تأیید رسیده است و عده ای که در انتخابات مجلس با شعار ایجاد شهرستان کوهچنار داده و به دنبال عملی کردن شعار انتخاباتی خود بود. روند مخالفت گام به گام به شکل‌گیری تجمعاتی ختم شد. تجمعاتی که که منجر به تعطیلی بازار کازرون شده بود و از طیف‌ها و گروه‌های مختلف اجتماعی شکل گرفته بود و با تجمع در میدان مرکزی این شهر، خواستار جلوگیری از تجزیه کازرون شده بودند (<https://www.asriran.com/fa/news/>). در این درگیری‌ها متأسفانه دو نفر کشته و تعدادی زیادی نیز زخمی شدند. چند خودرو به آتش کشیده شد و به یک پاسگاه پلیس نیز حمله شد. متأسفانه این تنش‌ها دستاویزی برای رسانه‌های بیگانه گردید و در این بین برخی رسانه‌های معاند شایعات و اخبار ضد و نقیضی را درباره اتفاقات کازرون منتشر می‌کردند و اعتراضات را در مخالفت با نظام جلوه می‌دادند.



نقشه ۱- تقسیمات سیاسی- اداری شهرستان کازرون بر اساس شهرستان پیشنهادی کوه چنار

در پی این تحولات ۹۰ نفر از اساتید دانشگاهی در نامه‌ای به رئیس جمهور کشور خواستار لغو کامل هر گونه طرحی در ارتباط با تجزیه شهرستان کازرون شدند، در این نامه آمده بود که بر اساس قوانین و مقررات موجود، ایجاد شهرستان جدید (کوه چنار) در کازرون، فاقد معیارها و شاخصه‌های کارشناسی و قوانین لازم است. طبق تبصره یک قانون تقسیمات کشوری، حداقل جمعیت لازم برای تأسیس شهرستان جدید ۱۲۰ هزار نفر و در صورت تراکم متوسط، حداقل ۸۰ هزار نفر است درحالی که منطقه موضوع طرح مورد بحث در حالت حداکثری فاقد حد نصاب جمعیت لازم برای ایجاد شهرستان جدید است. در این نامه همچنین آمده است: با توجه به تنوع طایفه‌ای و جغرافیای سیاسی و امنیتی برخاسته از این مسئله پیگیری طرح فعلی تجزیه شهرستان در درازمدت زمینه ایجاد تنش‌های قومی و امنیتی را حتی در دیگر نقاط استان و کشور ایجاد خواهد کرد (<https://www.aftabir.com/news/article/view/4>). دامنه اعتراضات و درگیری‌ها تا جایی پیش رفت وزارت کشور در بیانیه‌ای اعلام کرد طرح تقسیم این شهرستان متوقف شده است. در بخشی از این بیانیه آمده است: «بر اساس درخواست صاحب‌نظران منطقه و به منظور بررسی دقیق پیشنهادهای مردمی و رفع کاستی‌های موجود، طرح پیشنهادی تا تأمین خواسته‌های کارشناسی و منطقی مردم منطقه در دفتر تقسیمات کشوری متوقف شده است» (<https://www.tabnak.ir/fa/news/>).

یافته‌های تحقیق:

نسبت حس مکان در تقسیمات سیاسی فضا:

احساس و حس مکانی از مولفه‌های کلیدی در سازماندهی سیاسی فضاست و ارتباط متقابلی بین این دو مقوله وجود دارد. به این ترتیب که نه تنها احساس مکانی، از عوامل سازماندهی سیاسی فضاست، بلکه نحوه انجام سازماندهی سیاسی فضا نیز در کیفیت احساس مکانی افراد تاثیر داشته و میتواند موجب تحریک احساسات آنان در جهت منفی و یا مثبت باشد (Ahmadypur and Mirzay Tabar,

(49: 2011) انسان ریشه خود را در مکان ویژه ای جستجو کرده و تعلق به مکانی دارد که در آن آزادی، نیازهای اساسی و امنیت او تامین گردد. مکانی که گوشه ای از آن را برای زندگی انتخاب و جایی را جهت خاک سپاری خود و بستگانش تعیین کند وابستگی مکانی، علایقی را در انسان بوجود می آورد که با دوری از آن دلتنگی، افسردگی را در فرد سبب می شود (Shakoui, 2008: 274). احساس، تعلق و هویت مکانی افراد ساکن در محدوده سرزمینی یکی از مولفه های انسانی تاثیرگذار در فرآیند سازماندهی سیاسی فضا است. حس مکان، ادراک ذهنی مردم و احساسات کم و بیش آگاهانه آن ها از محیط خود می باشد که موجب تبدیل یک فضا به مکانی با خصوصیات حسی و رفتاری خاص برای افراد و وابستگی آن ها به این مکان می شود. این وابستگی، علایقی در انسان به وجود می آورد که از دست رفتن و دوری از آن دلتنگی و افسردگی را در فرد و جامعه سبب می شود. از این نظر، مکان ها منبع هویت فردی و جمعی و مرکزی هستند که در آن پیوندهای عاطفی بین مردم برقرار می شود. انسانها در نتیجه حضور مدت دار در محل تولد خود، نسبت به نمادها، ارزش ها و خصایص آن، حس ویژه ای یافته که این حس در ادامه تعلق به مکان را در افراد ایجاد کرده و هویت خاصی به آنها اعطا می کند. در نتیجه این دل بستگی و هویت مکانی، انسانها حاضر نیستند لطمه ای بر آب و خاک آنها وارد شود و در مواقع خطر، در مقابل تهدیدات سرزمینی ایستادگی می کنند (Ahmadypur, 2011: 49). رابطه انسان با سرزمین، فرآیندی دوجانبه است یعنی مردم نه تنها خود را صاحب قطعه ای زمین می دانند؛ بلکه احساس می کنند به آن زمین نیز تعلق دارند. آنان حس تعلقی و رای نظریه یک بعدی مالکیت دارند. این حس تعلق، مردم آرام را به کنش برای بازپس گیری زمین شان برمی انگیزد (Mouyer, 2001: 20). در واقع احساس تعلق داشتن به محیط جغرافیایی ویژه و نیاز به شناخته شدن به ویژگی های محیطی و فرهنگی آن، بخش مهمی از وجود روحانی بشر شمرده می شود (Mojtahedzadeh, 2001: 128). تعلق انسان به مکان، در او عشق به سرزمین و حق تابعیت ایجاد می کند. دیدگاه های مربوط به مکان، نقش حیاتی احساس تعلق انسانها به مکان مربوط را نشان می دهند که سعی می کنند خود را از طریق یک احساس مکانی تعریف و آن را منشا هویت خود بدانند (Krang, 2006: 144). انسان ها وابستگی های مکانی، وطنی و سکونتگاهی سطح بندی شده ای دارند که به آنها هویتی خاص می دهد، هر فرد نسبت به زادگاه و در سطوح بالاتر نسبت به شهرستان، استان، کشور و حتی قاره خود احساس تعلق می کند (Hafeznia, 2008: 38). در چنین شرایطی هر انسان نسبت به واحد فضایی - اجتماعی خود اشتراک در ارزش ها احساس کرده و در خود نوعی حس تعلق، عشق به ارزش ها و درخشش آن ها نسبت به دیگران می باید و نسبت به سایرین نیز احساس جدایی می کند. این احساس تعلق نسبت به ارزش های مشترک محلی به تقویت همکاری درون مکانی انجامیده و رقابت بین مکانی را نیز دامن می زند (Hafeznia and Kaviani Rad, 2005: 10)

در مجموع مهم ترین شاخص های احساس و تعلق مکانی را می توان موارد ذیل دانست:

- افتخار به ارزش ها، نمادها، هویت های مکانی و قومی و تلاش برای تقویت و ترویج آن ها
- تلاش برای پیشرفت و آبادانی مکان از سوی ساکنان
- واکنش در مقابل تهدیدات مکانی و مقابله با تجزیه خاک
- فداکاری و جانفشانی در راه حفظ و پیشرفت مکان
- دلتنگی برای زادگاه در سفر یا مهاجرت های طولانی مدت و آرزوی بازگشت به آن
- تمایل به دفن در زادگاه مادری پس از مرگ
- تلاش برای احیا و بازپس گیری مکان در صورت اشغال از سوی دیگری و یا واگذاری به غیر.
- رقابت مکانی جهت دستیابی به امکانات و امتیازات
- خوشحالی یا اعتراض به تغییر نام مکان (Ahmadypur and Mirzay Tabar, 2011: 52). در ادامه به نمونه هایی از تقسیمات سیاسی فضا در کشور که کنش برخاسته از هویت و احساس مکانی مردم را موجب شده اشاره می شود:

الف - خراسان: با قطعی شدن تقسیم خراسان به ۳ استان خراسان شمالی، جنوبی و رضوی، ساکنان شهرهای بزرگ خراسان، هریک محل سکونت خود را شایسته مرکزیت برای استان های جدید می دانستند. اعلام مرکزیت بجنورد برای خراسان شمالی، مشهد برای خراسان رضوی و بیرجند برای خراسان جنوبی ناآرامی هایی در پی داشت که مهم ترین آن ها در سبزوار و فردوس رخ داد. در سبزوار با اعلام قطعی شدن مرکزیت بجنورد برای خراسان شمالی، حدود ۵ هزار نفر از ساکنان در اعتراض به این تصمیم، راهپیمایی کردند که به درگیری با نیروی انتظامی، کشته شدن ۱ نفر، مجروح شدن افراد دیگر و دستگیری ۱۰۰ نفر منجر شد. در فردوس نیز با تصویب مرکزیت بیرجند برای خراسان جنوبی، ساکنان آن در مقابل مسجد میرزا این شهر، تجمع و اقدام به سردادن شعار، راهپیمایی و سنگ پراکنی کردند که طی درگیری با نیروی انتظامی، ۱ نفر کشته و ۴۰ نفر دستگیر شد. (Ahmadypur and Mirzay Tabar, 2011: 59)

ب- بشاگرد: در هرمزگان با ارتقای بشاگرد از بخش به شهرستان در آبان ماه ۱۳۸۷ مردم گوهران به عدم انتخاب محل سکونت خود به مرکزیت شهرستان اعتراض کرده و شبانه با سردادن شعار، به بخشداری بشاگرد حمله کردند. اعتراضات با همراهی روستاهای همجوار چند روز ادامه داشت. ناآرامی‌ها در اردیبهشت ۱۳۸۸ نیز ادامه یافت. که طی آن، معترضان با قفل درب ورودی بخشداری گوهران مانع از فعالیت کارکنان بخشداری شدند. در یکی از روزها نیز، به نشانه اعتراض ادارات دولتی گوهران به همراه مدارس، تعطیل شد.

اقلید: در اردیبهشت ماه ۱۳۸۶ در استان فارس، روستای خسروشیرین از اقلید جدا و به آباده الحاق شد. در واکنش به این تصمیم، جمعی از مردم اقلید مقابل فرمانداری تجمع کرده که طی این تجمعات، خساراتی به اماکن دولتی وارد شده و درگیری‌هایی نیز با نیروی انتظامی اتفاق افتاد.

سمیرم: با تصمیم هیأت دولت در مردادماه ۱۳۸۲ مبنی بر جدایی دهستان وردشت از سمیرم در اصفهان و الحاق آن به شهرستان در حال تاسیس دهقانان، این تصمیم، اعتراض شدید مردم سمیرم، ناآرامی، خسارت به اموال عمومی، درگیری با نیروی انتظامی، کشته شدن ۶ معترض و ۲ مامور را در پی داشت که در نهایت، مصوبه از سوی دیوان عدالت اداری ابطال شد (Ahmadypur and Mirzay Tabar, 2011: 59).

تجزیه و تحلیل مباحث:

بر بنیاد تحلیل مباحث این تحقیق مکان سازنده و معرف بخش مهمی از شخصیت و هویت است که افراد با تجربه زیستن در مکانی خاص با آن روابط عمیقی برقرار می‌کنند. هویت مکانی بخشی از زیربنای هویت انسان و برآیند شناخت او درباره جهانی (محیط ادراکی و واقعی) است که در آن زندگی می‌کند. این شناخت شامل یادها، احساسات، دیدگاهها، ارزشها، ترجیحات، مفاهیم و آرمان‌های انسان درباره مکان‌هایی است که به ادراک و رفتار او جهت می‌دهند. همچنین حس مکان به معنای ادراک ذهنی مردم از محیط و احساسات کمابیش آگاهانه آنها از محیط خود است که شخص را در ارتباطی درونی با محیط قرار می‌دهد، به طوری که فهم و احساس فرد با زمینه معنایی محیط پیوند می‌یابد و یکپارچه می‌شود. این حس موجب تبدیل یک فضا به مکانی با ویژگیهای حسی و رفتاری ویژه برای افراد خاص می‌شود. تقسیمات سیاسی فرایندی است که با هدف تقسیم فضای جغرافیایی کشور به واحدهای فضایی همگن از نظر ساختاری و کارکردی، به منظور توسعه هماهنگ، کاهش نابرابری فضایی، برقراری عدالت جغرافیایی، عرضه خدمات بهتر در جهت اداره پهنه قلمرو ملی کشور صورت می‌گیرد و بر ساختار اداری مدیریتی سرزمین، شتاب بخشیدن به روند توسعه و رشد هماهنگ ملی، تأثیر بسزایی دارد. تأثیر تصمیمات و عملکردهای سیاسی بر فضای جغرافیایی، دگرگونی فضایی و اجتماعی را به دنبال دارد، که به تولید نیروهای فشار منجر می‌شود. این نیروهای اجتماعی در همه سیستم‌های سیاسی منجر به تغییر و اصلاح سیاست‌ها و عملکردهای سیاسی می‌شود و حتی نظام ارزشی و ایدئولوژی و پیش فرض‌های آنها را نیز متحول می‌کند. هویت و حس مکان از شاخص‌های اساسی در سازماندهی سیاسی فضاست همچنین نحوه انجام سازماندهی سیاسی فضا نیز در کیفیت احساس مکانی افراد تأثیر داشته و می‌تواند موجب تحریک احساسات آنان در جهت منفی و یا مثبت باشد. حس مکان معنایی نزدیک با روح مکان دارد، روح مکان برای برپایی جشن و مراسم مذهبی به کار برده می‌شود، از این رو جایی که این اعمال و مراسم در آن اتفاق می‌افتاد خود تبدیل به مکان ویژه و با احترامی می‌شد که آن را از سایر مکان‌ها متمایز می‌کرد.

تعلق و رابطه انسان با مکان، در او عشق به سرزمین و حق تابعیت ایجاد می‌کند حس تعلق که ورای نظریه یک بعدی مالکیت است به گونه‌ای که این حس تعلق، مردم آرام رادر مقابل تهدید مکانی به کنش برای بازپس‌گیری مکانشان برمی‌انگیزد. این احساس تعلق نسبت به ارزش‌های مشترک محلی می‌تواند به تقویت همکاری درون مکانی و رقابت بین مکانی منجر شود. احساس مکانی در اجتماع به صورت‌های مختلفی از جمله واکنش در مقابل تهدیدات مکانی و مقابله با از دست دادن قلمرو مکانی، تلاش برای احیا و بازپس‌گیری مکان، رقابت مکانی جهت دستیابی به امکانات و امتیازات فداکاری و جانفشانی در راه حفظ و پیشرفت مکان، افتخار به ارزشها، نمادها، مکان‌های تاریخی، مذهبی و تلاش برای تقویت و ترویج آن‌ها بروز می‌کند. بر این بنیاد ناآرامی‌های شهرستان کازرون، واکنشی بود نسبت به تصمیمات سیاسی فضا از سوی نهادهای حاکمیتی، در مقابل تصور تهدید از دست رفتن قلمرو مکانی اهالی این ناحیه که نسبت به آن تعلق، احساس و دلبستگی هویتی ویژه‌ای داشتند، هر چند که این جدایی و تغییرات تقسیماتی در تابعیت استان محل زندگی آن‌ها باشد.

در پی تصمیمات سیاسی تغییرات تقسیماتی و جغرافیای قدرت حاکم در خصوص ایجاد شهرستان جدید کوه‌چنار بواسطه انتزاع بخش‌هایی از شهرستان کازرون ناآرامی‌هایی در شهر کازرون شکل گرفت. تنش‌های بوجود آمده به واسطه تصور از دست رفتن دو دهستان به نام‌های دشت برم و انارستان که از سالهای گذشته به واسطه پیوند فضایی درخواست الحاق به بخش مرکزی کازرون را داده بودند.

همچنین مکان‌هایی تاریخی و باستانی از بخش مرکزی شهرستان کازرون از قبیل تنگ چوگان، شهر تاریخی بیشاپور، و امامزاده سیدحسین بود. از دید معترضان این دو دهستان و مکان‌های انتزاعی پیوند مکانی، فرهنگی، طبیعی، اقتصادی و هویتی عمیقی با شهر کازرون دارند و از دست دادن آن‌ها به معنای از دست رفتن هویت کازرون است. این مسأله باعث شد معترضان احساس و تعلق مکانی خود را در قالب واکنش‌های خشونت آمیز ابراز کنند. آن‌ها منطقه دشت برم را جز هویت طبیعی، مکان‌های تنگ چوگان، بیشاپور را جز هویت تاریخی و امام زاده سید حسین را هویت مذهبی خود می‌پنداشتند. از دید اهالی کازرون از دست رفتن مکان مذهبی امام زاده سیدحسین و الحاق به قلمروی دیگر یعنی از دست رفتن تقدس، روح مکان و همچنین خاطرات تاریخی گذشتگان این شهر، بر این اساس هرگونه تصمیم در این خصوص را تهدیدی علیه هویت مذهبی خود می‌پنداشتند و به شدت در مقابل آن استقامت می‌کردند. تقسیمات سیاسی فضا اگر بر اساس اصول کارشناسی، و رعایت تمام جوانب سرزمینی، سیاسی، امنیتی، فرهنگی، طبیعی و ... آن انجام نشود منجر به نرسیدن به هدف فلسفی و ناهنجاری فضایی می‌گردد. نکته قابل توجه در نقش هویت مکانی و تنش‌های پیش آمده در شهرستان کازرون دلبستگی، تعلق و احساس مکانی متقابل مردم کازرون نسبت به تهدید انتزاع مکان‌های منتخب در طرح تقسیمات کشوری بود به گونه‌ای که از یک طرف اهالی دهستان‌های دشت برم و انارستان نسبت به این تصمیم سیاسی نارضایتی خود را نسبت به انتزاع از بخش مرکزی کازرون ابراز کردند، از سوی دیگر اهالی شهر کازرون هم انتزاع مکان‌ها و دهستان‌های یاد شده را قلمروزدایی هویت تاریخی و مکانی خود می‌پنداشتند.

در این میان اما تصمیم‌گیرندگان سیاسی فضا قبل از به سرانجام رساندن این طرح توجهی به امر هویت مکانی در این منطقه نداشته و متأثر از جغرافیای قدرت زمینه‌ساز بحران و آشفته‌گی فضایی در شهرستان کازرون شدند. بحرانی که سابقه آن بارها در کشورمان تکرار شده و به بخشی جدایی ناپذیر از تقسیمات سیاسی فضا در کشورمان تبدیل شده است. چه وقتی که عده‌ای تمایل ندارند بخشی از جغرافیای مکان آن‌ها در نقشه جدا شده و مرزهای مستقلی بیابد و چه زمانی که برخی خواستار جدا شدن شهر و زادگاهشان هستند. مسئله‌ای که نمونه آن در سال‌های گذشته در طرح تقسیمات کشور در خراسان، قزوین، سمیرم، بشاگرد و اخیراً در شهرستان کازرون مشهود است. ناآرامی‌های بوجود آمده در شهرستان کازرون به خوبی نقش متقابل اثرات تصمیمات سیاسی بر دگرگونی فضای جغرافیایی را نمایان ساخت، به گونه‌ای آشفته‌گی فضایی در شهرستان کازرون منجر به فشارهای مردمی و نخبگان دانشگاهی به نهادهای سیاسی قدرت شد و در نهایت به تعلیق تصمیم یاد شده و زیر سوال رفتن غیر کارشناسی بودن آن گردید.

نتیجه‌گیری:

همچنان که نتایج تحقیق حاضر نشان داد تقسیمات سیاسی فضا ابعاد پیچیده‌ی مکانی، هویتی و فضایی دارد که اگر بر این واقعیات منطبق نباشد؛ باعث تولید گسل‌های قومی و هویتی می‌شود و این مسئله نوعی مقاومت‌خواهی و ایستادگی در برابر سیاست‌های مرکزگرایانه را در پی دارد. رویکرد ریاضی محور به تقسیمات سیاسی فضا برای تسهیل امور اداری در کشور بدون در نظر گرفتن ویژگی‌های فرهنگی و هویتی انسان‌ها باعث تحمیل اراده و خواست مرکز به پیرامون می‌شود. از آن جا که انسان با روابط پیچیده‌اش در فضای جغرافیایی با معناسازی در مکان جغرافیایی به هویت و تعلق مکانی دست می‌یازد به واسطه همین هویت و احساس مکانی برای خود حق مشارکت و تصمیم‌گیری در ساماندهی فضایی و همچنین حقوق مکانی و کنشگری نسبت به تصمیمات سیاسی مرکزی در نظر می‌گیرد. از این زاویه تقسیمات سیاسی فضا فرایندی است که با هدف تقسیم فضای جغرافیایی کشور به واحدهای فضایی همگن از نظر ساختاری و کارکردی، به منظور توسعه هماهنگ، کاهش نابرابری فضایی، برقراری عدالت جغرافیایی، عرضه خدمات بهتر در جهت اداره بهینه قلمرو ملی کشور صورت می‌گیرد که اگر بر اساس اصول کارشناسی، و رعایت تمام جوانب هویتی، سرزمینی، سیاسی، امنیتی، فرهنگی، طبیعی و ... انجام شود کارآمد است و می‌تواند کمترین تنش و بیشترین مشارکت و همکاری متقابل را در درون منطقه و میان مناطق همجوار بوجود آورد. و در غیر این صورت نمی‌تواند در راستای حفظ استقلال و وحدت ملی مکانیزم مناسبی در جهت افزایش هم‌فضایی و مشارکت مردم طراحی کند. مسئله ارتقاء، انتزاع و الحاق واحدهای سیاسی فضایی بعد از انقلاب اسلامی یکی از شاخص‌های اصلی در سیاست‌های حاکم بر تقسیمات سیاسی فضا در کشور بوده است. این مقوله به واسطه عوامل مختلف و به ویژه جغرافیای قدرت حاکم بر فضای جغرافیایی به یکی از پدیده‌های تأثیرگذار از سوی سیاست‌گزاران و به ویژه نمایندگان پارلمان در جلب رضایت مردم و کسب مشروعیت تبدیل شده است. امری که شمار درخواست‌های آن در چند سال اخیر متناسب با زمان انتخابات مجلس به شدت به آن افزایش یافته است. از آن جا که به واسطه نواقص نظام توزیع اعتبارات مهم‌ترین انگیزه این تغییرات تقسیماتی (ارتقاء، انتزاع و الحاق) تنها گرفتن اعتبارات و امتیازات بیشتر می‌باشد. رویکرد تک‌بعدی به این مقوله می‌تواند پیامدهای امنیتی- سیاسی و افزایش هزینه‌های اقتصادی را در پی داشته باشد.

بر این اساس تغییرات تقسیمات سیاسی فضا زمانی می‌تواند کاربردی باشد؛ که بر پایه تمامی شاخص‌ها (جمعیت، روابط فاصله‌ای، توانمندی محیطی و فضایی و...) یک واحد سیاسی فضایی باشد و متأثر از جغرافیای قدرت، فشارهای سیاسی و وعده‌های انتخاباتی نامزدها نباشد. چرا که نمایندگان مجلس شورای اسلامی فاقد صلاحیت، تخصص و اختیار در این زمینه هستند. مسئله‌ای که در جریان تغییرات تقسیمات سیاسی شهرستان کازرون نمایان کننده این امر بود. به گونه‌ای که رویکرد تک بعدی در جریان تقسیمات سیاسی فضا در شهرستان کازرون موجب شد حقوق مکانی و هویتی ناحیه به‌خوبی دیده نشود و دنبال‌کنندگان طرح شتاب‌زده و به هر هزینه‌ای پیگیر ایجاد شهرستانی جدید (کوچنار) بودند. تصمیمی که خسارات جبران ناپذیری متوجه امنیت محلی و ملی کشور کرد. خساراتی که وقتی به اوج رسید، مسئولان تصمیم گرفتند از خیر اجرای تصمیماتشان بگذرند و همه چیز را به آینده موکول کنند. بر پایه مباحث مطرح شده پیشنهاد می‌شود از آن جا که فضاهای جغرافیایی از نظر ویژگی‌های کالبدی، طبیعی سیاسی، امنیتی، فرهنگی و ... با هم تفاوت‌هایی دارند در جریان تغییرات تقسیمات سیاسی- اداری فضا، توجه به شرایط خاص و حقوق هر ناحیه و مکان می‌تواند موجب جلوگیری از بحران‌ها و تنش‌های بالقوه آن شود. امری که در جریان تغییرات تقسیمات سیاسی فضا شهرستان کازرون در قالب بی توجهی تصمیم‌گیرندگان این طرح به هویت و احساس مکانی نمایان شد.

References:

1. Ahmadypoor, Z., Afarzadeh, H. J., & Mirzaei, M. R. (2014). *Function analysis of administrative divisions in implementation of land preparation with emphasis on Iran. Journal of Regional Planning*, 4(14), 1-12.
2. Ahmadypour, Z., & Mirzaieatabar, M. (2010). *The role of geopathy on political organization of space. Environmental Based Territorial Planning (Amayesh)*, 4(12), 47-62.
3. Ahmadypour, Z., Ghanbari, A., & Hafeznia, M. R. (2011). *The effect of pattern administrative divisions on the development of geographic (Case study: Zanjan province). Journal of Spatial Planning*, 14(4), 32-69.
4. Asr Iran. (2019, May). *Why protests of Kazeroun turned into violence. Retrieved from ytre.ir/rvG*.
5. Altman, I., & Low, S. (1992). *Place attachment. New York: Plenum.*
6. Bonnemaision, J. (2005). *Culture and space: Conceiving a new cultural geography (Vol. 8). London, England: IB Tauris.*
7. Bahmani, P., Saffarian, E. (2010). *The trajectory of changes of pictures and symbols in classic arts of Iran. Tehran, Iran: Payam Noor University Press.*
8. Bigdeli, Z., & Sharifi, S. (2009). *An introduction to the concept of space. Library and Information Sciences*, 11(4), 239-254.
9. Crang, M. (2004). *Cultural geography (M. Gharekhlou, Trans.). Tehran, Iran: SAMT.*
10. Dehshiri, M. (2009). *Media and culture-building. Iranian Cultural Research*, 2(8), 179-208.
11. Fars News Agency. (2019, May). *Imam Jomeh says on details of Kazeroun: Everything started from a baseless rumor. Retrieved from http://fna.ir/bmjyn4*
12. Fars News Agency. (2019, May). *Kazeroun protest in front of the governorate in opposition to the city's split plan. Retrieved from http://fna.ir/blhe0l*
13. Ghanbari, Gh., & Mahkouie, H. (2012, April). *Exploring the influence of factors affecting -- the promotion of level and changes on the boundaries of civil divisions. Paper presented at National Congress on Border Cities and Security; Chalenges and Strategies. University of Sistan and Baluchestan, Zahedan, Iran.*
14. Hafeznia, M. (2000). *Basics of sociopolitical studies. Tehran, Iran: Sazman Howzaha va Madares Kharej az Keshvar*
15. Hafeznia, M. (2002). *Political geography of Iran. Tehran, Iran: SAMT.*
16. Hafeznia, M., & Kaviani Rad, M. (2004). *New horizons in political geography. Tehran, Iran: SAMT.*
17. Hafeznia, M., et al. (2009). *Inducing of Space and Politics in political geography. Human Geography*, 42(72), 121-134.
18. Jung, C., & Fordham, F. (1967). *An introduction to Jung's psychology (M. Mirbaha, Trans.). Tehran, Iran: Eshrafi.*

19. Kaviani Rad, M., & Azizi, K. (2011). *The role of place identity in the incidence of political action (case study: Engelab square and street of Tehran city)*. *Journal of Geographical Sciences*, 11(20), 151-168.
20. Mojtahedzadeh, P. (2000). *Geopolitics ideas and realities of Iran*. Tehran, Iran: Ney.
21. Muir, R. (2000). *Political Geography: A new introduction*. (M. H. Dareh, Trans.). Tehran, Iran: National Geographical Organization.
22. Hummon, David, 1992, *Community Attachment Attachment Local Sentiment and Sense of Place*, In *Place Attachment*, New York press, 253-278
23. Relph, E. (1976). *Place and placelessness*. London, England: Pion.-
24. Seamon, D. (1979). *A Geography of the Lifeworld (1st ed.)*. New York, NY: Routledge.-
25. Rahemi, M., Mahkooei, H., Khademalhosseini, A., & Shamsoddini, A. (2019). *Evaluation of political management in Iran (A case study: Kashan city)*. *Journal of Reginal Planning*, 8(30), 89-102.
26. Riahi, V., Afrakhteh, H., & Salehpour, Sh. (2019). *Analysis of effective factors of annexation of villages settlements to the city based on the framework of political divisions (Case study: Urmia metropolis)*. *Journal of Reginal Planning*, 9(33), 73-86.
27. Sadat Habibi, R. (2008). *Images and the meaning of place*. *Honar-Ha-Ye-Ziba*, 35, 39-50.-
28. Shokouie, H. (2007). *New thoughts in philosophy of geography (Vol. 1)*. Tehran, Iran: Gitashenasi Geographical and Cartographic Institute.
29. Taban, M., & Jafarpour, M. (2011). *Identity and place, phenomenal approach*. *Hoviatshahr*, 10(1), 79-90.
30. Tompson, J. B. (2001). *Media and modernity (M. Ohadi, Trans.)*. Tehran, Iran: Soroush.-
31. <https://www.asriran.com/fa/news/610020/%DA%86%D8%B1%D8%A7->
32. <https://www.farsnews.com/news/13970121001189/%D8%AA%D8%AC%D9%85%D8%B9-%D9%85%D8%B1%D8%AF%D9%85->

Research Paper

The Relationship between Place Identity and Activities of Political Division of Space (Case Study: Kazerun Township)

Afshin Mottaghi¹: Associate Professor of Political Geography, Kharazmi University, Tehran, Iran
Moslem Namdarzade: Ph.D. Student of Political Geography, Kharazmi University, Tehran, Iran

Received: 2019/4/27

PP: 89- 90

Accepted: 2019/8/11

Abstract

Place identity indicates different senses, perceptions, and place attachment, as depending on the political system of residents, geographical places make different political activities. Political division of spaces is a process that divides political-spatial units structurally and functionally into homogeneous levels in order for optimally managing of national territories. Amongst the major indices of political division of space is considering place identity, which can negatively or positively affect arousing and quality of people's feelings of space. The research was conducted using a descriptive analytical method for collecting the related data to answer the question: what is the role of place identity and feeling of space in political activities of apace division (regarding Kazerun as a case)? Finding indicated that amongst the causes of uncomfortability in Kazerun is the negligence of political decision makers over identity and spatial components of geographical spaces of this region. This showed the interactional effects of political decisions and changes in geographical spaces.

Keywords: place identity, place sense, political divisions of space, Kazerun

Extended Abstract

Introduction:

Political division of space is a process carried out to divide countries' geographical territories into spatial units. These units should be homogenous in terms of structure and function, and be intended for coordinated development, reducing spatial inequalities, offering geographical fairness and a better supply of services. With the end result being a more efficient management of national territory, such efficiency could only be achieved through the use of professional principles and adherence to all identity, territorial, political, security, cultural and natural aspects. This way, the possibility of rising tensions would be reduced to a minimum, while participation and cooperation within regions will be maximized

Methodology:

The research was conducted using a descriptive analytical method for collecting the related data to answer the question: what is the role of place identity and feeling of space in political activities of apace division (regarding Kazerun as a case)?

Results and discussion:

¹. Corresponding Author's: Email, afshin_mottaghi@yahoo.com, Tel: +989125984416

Following political decisions to divide certain regions of Kazeroun city, Koohchenar new town was formed the geographical features of the region and the dominant power were changed; subsequently, a number of protests were held in Kazeroun City. These tensions were the result of the loss of two rural districts called Dasht Barem and Anaarestan; meanwhile, these districts had previously filed requests to be added to Kazeroun city. Additionally, the separation of ancient, historical sites from the central region of Kazeroun including Tang Chougoun, the historical city of Bishapour, and Imam Zadeh Seyyed Husain was objected as well. Protesters believed there are spatial, cultural, natural, economic, and identity-related links between these two districts and Kazeroun; therefore, separating them was regarded as disregarding the city's identity. This led to the people to demonstrate their sense of belonging to the city in the form of violent reactions. According to these people, their natural, historical, and religious identities were shaped by Barem Valley, Tang Chougoun, Bishapour, and Imam Zadeh Seyyed Husain. As a result, losing these place and their addition to another territory was interpreted by the residents of Kazeroun as a threat against the holiness and the spirit of the place as well as the historical memories of their ancestors. Consequently, they aggressively opposed the decision. In fact, if professional principles along with all territorial, political, security, cultural, and natural aspects of the region are not taken into account in political divisions, then the result would be failing to achieve the intended philosophy and norm for the region. What is worth pointing out in the role of spatial identity with regards to the tensions taken place in Kazeroun city is the threat of separating candid places through the division program which provoked the residents' senses of attachment and belonging to the city. This led to a number of protests from the residents of Dasht Barem and Anaarestan rural districts on one hand, and also from the residents of Kazeroun city on the other, respectively opposing the separation and the loss of historical and spatial identities of the area. These protests demonstrated the significant role of political decisions on developments in geographical spaces; accordingly, such spatial turmoil in Kazeroun city created pressure on political bodies from the people and academic elites. Ultimately, the decision was suspended and was questioned due to its unprincipled nature.

Conclusion:

Otherwise, division would fail to offer a suitable mechanism in line with maintaining independence and national unity, and increasing cooperation between people; in this case, philosophical goals with respect to political organization of space would be unattainable. During the past decades following the Islamic revolution, one of the main features in policies dominating political divisions of the country's territory has involved developing, separating, and adding political and spatial units. Due to a number of different factors, particularly the geography of the dominant power, this has become one of the most effective measures taken by policymakers and especially, members of parliament, aimed at satisfying the people and achieving legitimacy. This is reflected by the significant increase in requests for divisions close to the time of parliament elections. Considering the flaws of the credit distribution system, the main motivation behind these divisions (developments, separation, and addition) is exclusively to attain more credits and concessions. Therefore, adopting a one-dimensional approach to this problem may bring about sociopolitical consequences and financial costs; a problem which was demonstrated during the occurrence of political divisions in Kazeroun city. As the same approach was employed in Kazeroun, the spatial rights and the identity of the area were overlooked. Meanwhile, those executing the program were willing to pay any price in order to form a new town (Koohchenar) as fast as possible. A decision that resulted in irreversible damages to national security. Only at the peak of tensions the authorities decided to stop continuing with the decision and postpone matters to the future.